

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهم از آن به که کشور به دشمن دهم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human Rights

حقوق بشر

تیمور شاه تیموری
المان – شهرک زیزن
۲۹ مارچ ۲۰۱۵

هفته دوم شهادت فرخنده

یک هفته از شهادت فرخنده مظلوم میگذرد و درین مدت به کمک تصاویر ویدئویی، که توسط بعضیها برداشته شده و در فیسبک و تلویزیونها مسلسل به نمایش گذاشته میشود، بعضی موضوعات روشن و بعضی اشخاص خوبتر شناخته شده اند. موضوعات بدست آمده در ارتباط جامعه ما چنین است:

۱- یک قشری در طبقه جوان ما عجل اند و در قضایا بدون تأمل و تعمق، عجولانه تصمیم میگیرند که در عاقبت بدون از پشیمانی چیز دیگری به بار نمی آید.

۲- جامعه ما در موضوعاتی که به دین و مذهب ارتباط داشته باشد، بسیار حساس است. هرگاه در امریکا کشیشی قرآن را بسوزاند، در کابل و مزار شریف چنان مظاهراتی برپا میشود، که چندین نفر کشته میشوند. در حالی که در دیگر ممالک اسلامی برگی در درختی نمیچنبد. همین طور در مورد اشاعه کارتونهای پیغمبر و غیره.

۳- اهالی به اقدامات قانونی دولت باور ندارند. زیرا در طول سالهای متمادی بدون یکی دو واقعه در تمام واقعات مدعش و غیر انسانی از طرف دولت اقدامی ندیده اند، که قناعت شان حاصل شده باشد.

۴- عدم رسیدگی ارگانهای دولتی از قبیل پولیس و یا غیر آن به وظائف محوله. این موضوعات در ظاهر امر سبب میشود، که دختر بیگناهی مانند فرخنده وحشیانه و فجیعانه به قتل برسد و آن کار چنان بیرحمانه و ستمگرانه صورت بگیرد، که نه تنها در داخل مملکت

خواب را از چشم برباید، بلکه در تمام اقصای عالم که مهاجر افغان وجود دارد و یا ندارد، درد و الم پخش شود و تأثر و تأسف سراسر گیتی را دربر گیرد.

درباره شناسائی اشخاصی، که اشاره رفت با دو چهره مهم آشنا میشویم:

۱- شناخت مکمل مادر فرخنده است، که این شیرزن را با صبر و شکیبایی که از خود نشان داد، باید از جمله قهرمانان جهان شمرد. او گفت:

«در بین اولادهايم دختر محبوبم فرخنده بود؛ من گریه نمیکم و با گریه خود شهادت او را خدشه دار نمیسازم و همه امر را به خداوند موکول مینمایم.»

این چنین اظهارات از آن زن با متانتی که در چهره اش بدون از توکل و امید به خدا چیز دیگری دیده نمیشد، غیر قابل تصور بود. مردانی که بدون رابطه انسانیت و هموطنی رابطه دیگری با فرخنده نداشتند، این فاجعه را تحمل نتوانسته و گریستند. این مادر والاگهر دندان به جگر مانده تحمل میکند و خود و دختر شهید خود را به خدا میسپارد، که این امر ضربه دردناکی بر قاتلین نیز شده میتواند. بناءً این زن در حالی که مادر است و شهادت دختر خود را به چنین بردباری تحمل میکند، یکی از قهرمانان جهانی ست، که مادران زندگی میکنیم.

۲ - چهره دیگر این داستان ملا نیازی ست: ملا نیازی فارغ التحصیل الازهر مصر امام مسجد وزیر اکبرخان، معتبر ترین محله در نفس شهر کابل است. او در خطبه روز جمعه یک روز بعد از شهادت فرخنده به طور مشخص و آشکار از قاتلین حمایت کرده و قاتلین فرخنده را حق بجانب دانست و برای اثبات گفته خود چنین دلیل آورد:

«هرگاه برادر یکی از شماها را دیوانه ای بکشد، شما مجبورید که بالمقابل او را بکشید و این حق شما ست و شما به آن مستحق میباشید.»

و بعد از آن از شورش و بلوای عمومی در قلوب شنوندگان ترس و رعب ایجاد کرد و بدین طریق سهل ترین و مستقیم ترین شکل انتقام گیری را به مردم تبلیغ کرد، اما او با این گفته خود متوجه نشد که از سر دولت و تمام ارگانهای دولتی و امنیتی گذشته و قیاس کرده، که در یک جنگل زندگی میکند و هم به این فکر نیفتاده که اگر زور برادر مقتول به قاتل نرسد، از که پشتیبانی میخواهد؛ البته که از دولت. و آن گاه دولت است که انتقام برادر او را از قاتل میگیرد. و برای همین است، که جهت اداره و نظم اجتماع دولت و ارگانهای سه گانه اجرائیه، تقنینیه و قضائیه به وجود آمده و نظم اجتماع را پایدار و استوار نگاه میدارند.

ملا نیازی چنین چیزها را میدانست، اما "ناخود آگاه" و یا برای مقصد خاصی چنان فرمانی را صادر کرد که آن فرمان بی اساس مافی الضمیر او را افشاء و چهره واقعی او را برملا ساخت. و این که زن مقتوله را خارجی تصور کرده و بعدها فرخنده را دوست و همسنگر خود قلمداد

کرد، این استثنائات به دردش نخورده و همه به تمام معنی او را شناختند. مسجد وزیر اکبرخان نظر به موقعیتی که دارد از جمله مساجدی ست، که طرف توجه دولت و همگان قرار دارد و مقتدیان آن از جمله متنفذین و عاملین دولتی و غیره میباشند. ساکنان دور و پیش آن از سفارتخانه ها و خارجیها متشکل بوده هرکدام از ملا امام به نوبه خود توقعاتی دارند، دولت از او میخواهد تا احکام و اقدامات دولتی را پشتیبانی نموده و در انظار خوب و نیکو جلوه دهد. و راپورهای اعمال و اجراءات دیگران را خاصاً اگر به ضرر دولت باشد به مقامات مربوطه اطلاع دهد. جاسوسان همکاری جدی و مداوم این ملا امام بزرگ را آرزو دارند و از نظر سفارتخانه های خارجی هم به دور نمانده هر کدام توقعاتی از او دارند و همچنان شاید با متنفذانی چون سیاف و تورن اسماعیل بدون رابطه نباشد و در مقابل، عایدات مادی ملا نیازی هم به اندازه ای کم نیست، که شاید ما تصور نمائیم. پس این شخص از اشخاص عادی نیست که از کنه مطالب بی اطلاع باشد و یا سخنی طور سطحی از دهنش بر آمده باشد. باید سر به دامن تفکر فرو برد تا به کنه مطلب پی برده شود.

موضوع دیگر سؤالاتی ست، که تاکنون جواب قناعت بخش به آنها داده نشده است:

- ۱ - چه گونه با شنیدن یک صدا که قرآن سوختانده شد آن همه اشخاص بالای آن زن ریختند؟
- ۲ - تمام آنها تقریباً به یک شکل و ریخت و یک نوع آواز و سن و سال تقریباً مساوی بودند.
- ۳ - چرا آتش خشم آنها تنها با کشتن فرخنده تسکین نشد و او را با سنگ کوفتند و در دادند، و به گفته بعضیها گیلنه تیل هم از قبل آماده بود.
- ۴ - چرا پولیس در اول ممانعت می کرد و بعداً تسلیم شد و از وظیفه خود دست کشید و حتی با قاتلان همدست شد؟

اینها سؤالاتی اند، که فقط ملانیازی می تواند جواب آنها را بدهد.